

تماس فرهنگ‌های ایران و چین: نقش هخامنشیان و سغدیان در شکل‌گیری و توسعه جاده ابریشم

حمیدرضا پاشا/انوس^۱

چکیده

پژوهشگران آغاز تماس بین فرهنگ‌های ایران و چین و در پی آن شکل‌گیری مسیرهای جاده ابریشم را با سفر جانگ چیان به سرزمین‌های غرب امپراتوری هان در سده دوم پیش از میلاد دانسته‌اند. اما پیش از آن، مسلماً تماس‌هایی وجود داشته است که زمینه‌ساز مبادلات در جاده ابریشم شده است. با مطالعه در آیین فرهنگ چو و شباهت آن با آیین هند و ایرانیان و دین زردشتی، یافته‌های باستان‌شناسی، اطلاعات موجود در کتب نویسندگان چینی و یونانی و به ویژه کشف رونوشت‌های منشور کورش بر روی دو قطعه استخوان پای اسب در صحرای گوربان تونگوت در شمال شین جیانگ چین می‌توان از تماس غیرمستقیم دو فرهنگ ایران و چین از زمان هخامنشیان سخن گفت. در ادامه با گسترش تجارت سغدیان با چین در قرن سوم پیش از میلاد و هم‌بظور پس از حمله اسکندر و گسترش فعالیت حکومت یونانی باکتریا می‌توان از تماس مستقیم دو کشور و آغاز شکل‌گیری جاده ابریشم سخن گفت. از همین‌رو، پژوهش حاضر بر آن است تا نقش هخامنشیان و سغدیان را در شکل‌گیری و توسعه جاده ابریشم با توجه به مدارک باستان‌شناسی و تاریخی بررسی و تحلیل کند.

واژگان کلیدی:

ایران، چین، هخامنشیان، سغدیان، جاده ابریشم، تماس‌های فرهنگی

مقدمه

فلات ایران و فرهنگ‌های حاضر در آن، در سراسر هزاره اول پیش از میلاد بر بسیاری از فرهنگ‌های شرق و غرب تأثیر گذاشته و به نوبه خود از آنها تأثیر گرفته است. ظهور و سقوط شاهنشاهی هخامنشی و سپس فتوحات اسکندر و شکل‌گیری تمدن هلنیستی و پارتی موجب گسترش تبادلات فرهنگی و اقتصادی بین تمدن‌های ایران و چین گشت. دو تمدن کهن ایران و چین، پیش از اشکانیان از دیرباز با یکدیگر تماس داشته‌اند، زیرا که موقعیت ویژه ایران به منزله نقطه اتصال فرهنگ‌های شرق و غرب و همین‌طور وجود مبادلات تجاری و فرهنگی از طریق مسیرهایی نظیر جاده خراسان که به بلخ و سغد در آسیای مرکزی و به مجاورت مرزهای چین می‌رسیده است، خود عامل مهمی در اجتناب ناپذیر بودن این تماس فرهنگی بوده است.

مطابق اطلاعاتی نظیر داده‌های سفالی و شواهد زبان‌شناسی مشترک بین فرهنگ چین باستان و هند و آریاییان که متناسب با دوره‌های مختلف، کیفیت و کمیت گوناگونی از اطلاعات در باره تماس و برهم‌کنش فرهنگ‌های ایران و چین در دست است و در ادامه خواهد آمد، تماس فرهنگی ایران و چین به پیش از هخامنشیان بر می‌گردد. اگر چه به طور مشخص نخستین تماس مکتوب که منجر به آگاهی طرفین از سطح فرهنگی و تمدنی یکدیگر شده و آن را می‌توان نقطه عطفی در شناخت دو طرف از یکدیگر دانست، به سفر جانگ چیان در دوره زمامداری اشکانیان در ایران و سلسله هان در چین در سده دوم پیش از میلاد بازمی‌گردد، اما از پیش از سفر جانگ چیان، دو فرهنگ ایران و چین با یکدیگر تماس داشته‌اند. این تماس پیش از هخامنشیان بیشتر به طور غیرمستقیم و به واسطه اقوام ایرانی آسیای مرکزی به مانند سکاها بوده است. تنها از اواخر هخامنشیان به واسطه گسترش نفوذ آنها در آسیای مرکزی، فتوحات اسکندر و حضور سغدیان به عنوان بخشی از شاهنشاهی هخامنشی و تجارت آنان با چین زمینه را برای امکان تماس بین این دو فرهنگ به شکل مستقیم ایجاد کرد. نظر

تماس فرهنگ‌های ایران و چین: نقش هخامنشیان و سغدیان ... / ۷

به اهمیت این موضوع فصل حاضر در صدد است تا با کنار هم قرار دادن یافته‌های باستان‌شناسی و اطلاعات تاریخی موجود در منابع ایرانی، چینی و یونانی به بررسی و توضیح نقش هخامنشیان و سغدیان در شکل‌گیری و توسعه جاده ابریشم بپردازد.

الف) هند و اروپاییان و آریایی‌ها: سخنی در باب تماس فرهنگ‌های ایران و چین از ابتدا تا سال‌های آغازین شاهنشاهی هخامنشی

با اینکه اکثر پژوهش‌های یک قرن اخیر، شروع تماس بین فرهنگ‌های ایران و چین را با سفر جانگ چیان (张骞) به سرزمین‌های غرب امپراتوری هان دانسته‌اند (Pulleyblank, 1992: 424). اما پیش از سفر جانگ چیان مسلماً تماس‌های بین فرهنگ‌های ایران و چین وجود داشته است. معهداً مسیرهای ارتباطی شناخته شده‌ای که دو سوی آسیا را به هم متصل کند، هنوز در مراحل ابتدایی شکل‌گیری قرار داشت. مهم‌ترین مسیرها احتمالاً از دشت‌های آسیای مرکزی به سمت استپ‌های جنوب سیبری رفته و از آنجا از طریق علفزارهای مغولستان وارد استان شانسی در شمال چین شده است (Shaughnessy, 1989: 1). دانش مردمان شرق و غرب از یکدیگر هنوز روشن و شفاف نشده بود و بسیار محدود و غیرواقعی بود (Watson, 1983: 537-38). در چین، تصور چینیان از مردمان غرب چین جدا از آن چیزی نبود که در *وقایع‌نامه کوه‌ها و دریا‌های شانهای جینگ*^۱ و *زندگینامه مو شاه*^۲ توصیف شده بود (Ju-ping, 2007: 103)، همانطور که در اسطوره‌های ایرانی هم تصور ایرانیان از چین مبهم بوده و در بیشتر اوقات چین به کل شرق دور اطلاق می‌شده است (Pashazanous, 2012: 95). بسیاری از یونانیان تنها اطلاعاتی در مورد تمدن‌های مصر و بابل و ایران داشتند و آگاهی آنها در مورد هند و به خصوص چین بسیار اندک بود.

1. Chinese Bestiary (the Records of Mountains and Seas, Shanhai Jing, ((山海经)).

2. The Biography of King Mu (Mutianzi zhuan, 《穆天子传》).

در یکی از تازه‌ترین پژوهش‌ها در باره تشابهات زبانی واژگان چین باستان و هند و اروپاییان حدود ۱۵۰۰ واژه هم‌ریشه در بین این دو زبان تشخیص داده شد (Chang, 1988: 39) که در این بین حدود ۲۰۰ کلمه اصلی در این دو زبان هم‌ریشه هستند. اگر چه وجود این شباهت‌ها را به هیچ وجه نمی‌توان به تماس مستقیم بین هند و اروپایی‌ها که در شمال اورآسیا یا آسیای مرکزی می‌زیستند، با تمدن چین باستان آن زمان تعبیر کرد، اما می‌توان از تماس غیرمستقیم آنها حتی از اواخر هزاره سوم پیش از میلاد سخن گفت (Pulleyblank, 1966:10).

تحقیقات جدید، ورود فن اهلی ساختن اسب به چین در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد از طریق اقوام بیابانگرد آسیای مرکزی و هند و اروپاییان را محرز ساخته است (Snow, 2002: 41). آن طور که ویکتور میر^۱ در مقاله‌ای در باره منشاء ورود اسب به چین ثابت کرده است، احتمالاً واژه ما (mǎ) به معنی اسب در زبان چین باستان با واژه هند و اروپایی مرکوس (márkos) هم‌ریشه هستند. (Mair, 2003: 181) همراه با انتقال فن اهلی ساختن اسب، اساطیر و داستان‌های مربوط به برخی از خدایان و رب النوع‌ها در بین اقوام هند و اروپایی نیز به چین منتقل شد که نمونه مطرح آن انتقال مفهوم خدای آسمان است. (Snow, 2002: 42) انتقال فن ساخت ارابه، که خود منجر به استفاده از سواره نظام در ارتش‌های شانگ و ژو گردید، استخراج و ذوب برنز و قلع (Xiang, 2011: 10-12) نیز از دیگر موارد تأثیر فرهنگی اقوام بیابانگرد آسیای مرکزی و هند و اروپاییان در هزاره دوم پیش از میلاد بر چین است (Anthony, 1998:95).

راوسن در مقاله خود که به موضوع تماس و برهمکنش فرهنگ‌های ایران و چین از طریق آثار هنری به دست آمده در ایران (تمدن مارلیک و برنز لرستان) و چین از ۱۰۰۰-۶۵۰ ق.م. اختصاص دارد، به طور مشخص چهار دوره تاریخی را که تمدن‌های چین و شرق نزدیک از طریق آثار هنری مختلف در هر دوره با یکدیگر تماس داشته و بر یکدیگر تأثیر نهاده‌اند مشخص نموده است. سه دوره نخست به ترتیب عبارتند از: اواخر سلسله شانگ و اوایل دوره تمدن ژو (۱۳۰۰-۱۰۰۰ ق.م.) که عمدتاً تبادلات فرهنگی

1. Victor Mair

تماس فرهنگ‌های ایران و چین: نقش هخامنشیان و سغدیان ... / ۹

این دوره بین چین و شرق نزدیک با ورود شیشه‌ها، چاقوها و ارابه‌ها برای اولین بار به چین از آسیای غربی مشخص می‌شود. اوایل دوره ژو غربی تا اوایل دوره تمدن ژو شرقی (۱۰۰۰-۶۵۰ ق. م.) که دوره وجود تبدلات هنری از طریق رواج مهره‌های عقیق، نقوش حیوانات و نقوش پیچیده بر روی جنگ افزارها، تکه‌های ارابه، ظروف و اشیای فلزی، طلا و آهن است که در آنها تأثیر فرهنگ‌های شرق دور و فلات ایران (فرهنگ‌های مارلیک، برنز لرستان و میان رودان) بر یکدیگر را می‌توان یافت (شکل‌های ۱-۲-۳). دوره‌های بهار و پاییز^۱ (۷۷۱-۴۷۶ ق. م.) و دولت‌های متخاصم در چین (۶۵۰-۲۵۰ ق. م.)، که تقریباً همزمان با ظهور و سقوط امپراتوری هخامنشی و اسکندر و جانشینانش در ایران است و دوره ادغام عناصر هنرهای خارجی در هنر دولتی چین است. دوره‌ای که تأثیرات فرهنگ چین و شرق نزدیک بر یکدیگر را در آثاری چون موزائیک، مهره‌های چشم، برنزکاری، طلاکاری، نقوشی حاوی شاخ حیوانات و اشکال مختلفی از زین و یراق اسب که مخصوص فرهنگ صحراگردی است، باید دید. (Rawson, 2010: 3-4)

این تماس‌ها به تدریج شکلی ملموس‌تر به خود گرفته، به طوری‌که نخبگان فرهنگ چین نیز نسبت به آن مطلع بوده و در آثارشان به آن اشاره کرده‌اند. برای نمونه کو یوان^۲ شاعر چینی (۳۴۲-۲۷۸ ق. م.) در یکی از اشعار خود از گیاه شومه^۳ که همان هئومه^۴ در اوستا و سومه^۵ نام می‌برد. او از این واژه استفاده می‌کند تا به تماس فرهنگ چو^۶ جنوبی^۷ با فرهنگ‌های غیر چینی شمال غربی و آسیای میانه اشاره کند (Zhang, 2011:1). تشابهات بسیار زیادی بین فرهنگ چو و فرهنگ هند و ایرانیان و دین زردشتی دیده شده است. ویکتور میر با توجه به وجود مفاهیم گله و رمه که خاص اقوام هند و ایرانی و دین

1. 春秋时代
2. Qu Yuan屈原
3. Shuma 疏麻
4. Haoma
5. Soma
6. Chu

۷. چو نام حکومت کوچکی در زمان سلسله ژو ۱۰۴۶-۲۵۶ ق. م. در چین بود که از ۱۰۳۰ تا ۲۲۳ ق. م. بر بخش‌های مرکزی و جنوبی چین تسلط داشت.

زردشتی است و در چین جنوبی رایج نبوده است، در یکی دیگر از اشعار کو یوان و همینطور سبک شعری این اشعار و مسائل مطرح شده در آن استدلال می‌کند که این اشعار مشابه سروده‌های اوستا و ریگ ودا هستند که آن را می‌توان نخستین تماس مذهبی دو فرهنگ ایران و چین دانست (Mair, 2000: 192). وجود پرستش آیین آتش در فرهنگ چو در چین که توسط یک روحانی یا شمن برپا می‌شد، شباهت زیادی به آیین پرستش آتش در دین زردشت که توسط مغان اجراء می‌شد، دارد (Mair, 1999: 27). بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که از نظر زبان‌شناسی شمن فرهنگ چو موسوم به مو او^۱ و وو^۲ همان روحانی دین زردشتی یعنی مغ است که هر یک نقش محوری در آیین‌شان داشته‌اند (Zhang, 2011:27-28). زمان تأثیرپذیری فرهنگ چو از آیین زردشت احتمالاً به پیش از اواسط قرن ششم پیش از میلاد برمی‌گردد. در این قرن از طریق اشعار لینگ وانگ^۳ شاعر چینی سال‌های ۵۴۰-۵۲۹ ق. م. که خود شمن آیین وو در فرهنگ چو بوده است، در می‌یابیم که آیین زردشتی مدت‌ها پیش از قرن ششم بر فرهنگ چو تأثیر نهاده بود (Zhang, 2011:22). لینگ وانگ در هنگام حمله دشمنان چو به سرزمین‌شان در اشعاری این حمله را به سخره گرفته و رو به عبادتگاه به سماع و پایکوبی پرداخته و اینچنین می‌سراید: «من در حالی که خدای آسمان و ارواح مقدس را که از ما محافظت می‌کنند، می‌پرستم؛ چگونه به فرار بیانیدیشم؟» (Ibid, 2011:21). اشاره لینگ وانگ به خدای آسمان در حالی است که آیین پرستش خدای آسمان- که مهم‌ترین عناصر فرهنگی وارد شده از آسیای مرکزی به فرهنگ چین است- احتمال بسیار زیاد، از آیین پرستش خدای آسمان در مذاهب مغولان و دیگر فرهنگ‌های آسیای مرکزی و از طریق نخستین پادشاهان سلسله ژو (۱۰۴۶-۲۵۶ ق. م.) که در مجاورت این فرهنگ‌ها شکل گرفته بود، به وام گرفته شده باشد (Shaughnessy, 1989: 7). و باز به احتمال زیاد، آیین پرستش خدای آسمان- که خدای سلسله‌های شانگ و ژو بوده

1. mo ao

2. Wu

3. Ling Wang 灵王

است- منشاء هند و ایرانی داشته است؛ زیرا که بر اساس اطلاعات زبان‌شناسی نوین خدای آسمان یا تی^۱ فرهنگ‌های شیآ^۲، شانگ و ژو که مجاور دلتای رود زرد در چین سکونت داشتند، با دئوس^۳ خدای کهن هند و اروپایی‌های هم‌ریشه بوده‌اند (Zhou, 2005: 1-2). باتوجه به وجود نقاط مشترک بسیار بین آیین پرستش خدای آسمان مردمان چین باستان در دوره‌های سلسله‌های شانگ و ژو و آیین پرستش اهورامزدا در ایران باستان^۴، احتمالاً بین آیین پرستش خدای آسمان و اهورای ایرانیان ارتباطی بوده است (Ibid, 2005: 13) و این انتقال از طریق سلسله ژو که به احتمال بسیار از بین اقوام بیابانگرد شمال غربی چین برخاسته بودند، بیشتر رواج یافت (Chen, 2002: 289).^۵ منشاء بسیاری از این ارتباطات به فعالیت‌ها و تاخت‌وتاز اقوام ایرانی آسیای میانه به خصوص سکاکا (حدود ۹۰۰-۳۰۰ ق. م) که نژاد و آیین ایرانی داشتند و تحت سلطه هخامنشیان بودند، برمی‌گردد (Witzel, 2003: 16) که همواره در فلات آسیای مرکزی در تاخت‌وتاز بوده‌اند. حتی به احتمال بسیار، آیین وو و پرستش آتش از طریق سکاکا و خصوصاً سکاکاهای تیزخود که نژاد ایرانی داشتند، به چین راه یافته است (Zhang, 2011: 15). در کتاب *زندگینامه مو شاه* که به سفر مو شاه (۹۷۶-۹۲۲ م./ ۹۵۶-۹۱۸ ق. م) از پادشاهان سلسله ژو به غرب چین احتمالاً منطقه شین جیانگ تا کوه‌های آلتایی اختصاص دارد، از اقوام سکایی آسی نام برده می‌شود. (Yu, 2010: 23) کشف خنجرهای مفرغی از نوع آکیناک^۶ اسکیتی که مادها نیز از آن استفاده می‌کردند، در نواحی ای از شمال چین، در محوطه باستانی فنگ شی واقع در استان شانشی- متعلق به سده‌های دهم تا سوم پیش از میلاد شاهدی دیگر بر نقش اقوام بیابانگرد آسیای مرکزی به

1. tees
2. Xia
3. Deus

۴. برای نمونه در هر دو آیین برای خدای بزرگ در مرتفع‌ترین نقاط کوه قربانی می‌شده است.

۵. وجود این ارتباط با توجه به اهمیت حضور محوری روحانی این دو آیین در مراسم قربانی هر یک از دو آیین خدای آسمان در چین و اهورامزدا در ایران باستان بیشتر مشخص می‌شود، به‌ویژه وقتی مطالعات زبان‌شناسی نشان دهنده یکسانی ریشه ما (Ma) (روحانی مراسم قربانی برای خدای آسمان در چین) با مغ (روحانی آیین قربانی برای اهورامزدا در بین ایرانیان باستان) است (Zhou, 2005: 14; Mair, 1999: 27).

۶. خنجر و شمشیر کوتاه

خصوص سکاها در انتقال عناصر فرهنگ نخبگان یا سازمان‌های تمدنی فرهنگ‌های ایرانی و چینی در اوایل و اواسط هزاره اول پیش از میلاد است (Watson, 1972:144).

ب) تأسیس سلسله هخامنشی و فتوحات کورش و داریوش در آسیای مرکزی

چگونگی تأسیس شاهنشاهی هخامنشی و پیامدهای آن، از جمله مهم‌ترین رویدادهای تاریخی جامعه ایران در عهد باستان و جوامع همسایه آن است. هخامنشیان که در آغاز، حکومت یکی از نواحی کوچک فارس را بر عهده داشتند، با اتکاء به نیروی نظامی وفادار و کفایت و درک نخستین پادشاهان خویش از شرایط و اوضاع حاکم بر ایران سده ششم پیش از میلاد توانستند نظام سیاسی و اداری منسجم و متمرکزی را با فتح مراکز مهم تمدنی آن موقع پی افکنند. آسیای مرکزی یکی از همین مراکز بود که هم به لحاظ وجود فرهنگ‌های ایرانی و همین‌طور به دلیل اهمیت آن به عنوان خاستگاه ایرانیان همواره تسلط بر آن برای هخامنشیان از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. بر طبق کتیبه بیستون، بیشتر مراکز مهم شرق و شمال شرقی ایران از جمله پرثوه (پارت)، هریوا (هرات)، باختر، سغد، خوارزم، زرنگ، آراخوزیا (رخج، افغانستان جنوبی تا قندهار)، تته‌گوش (پنجاب)، گنداره (گندهارا) توسط کورش مؤسس شاهنشاهی هخامنشی تصرف شد و هندوش (سند)، سکاهاوم ورکه (سکاهای فرای جیحون)، سگاتیگره خود (سکاهای تیزخود، فرای سیحون) نیز در زمان داریوش مطیع گشتند (Kent, 1950:117). با توجه به اینکه کمبوجیه دوم جانشین کورش، هرگز نبردی در شرق ایران برای گسترش قلمرو هخامنشی نداشته است، به نظر منطقی می‌رسد که فتح بیشتر آسیای مرکزی و گسترش قلمرو هخامنشی در شرق تا هند را در زمان کورش بدانیم (Dandamaev, 1989: 31). وجود شهر سیروپولیس در سغد در آسیای مرکزی که به احتمال بسیار توسط خود کورش حین فتوحات وی در غرب آسیای مرکزی ساخته شده است، گویای میزان اقدامات کورش در آسیای مرکزی است (P'yankov, 1993). تأسیس این شهر توسط کورش در مسیر جاده غرب آسیای مرکزی

تماس فرهنگ‌های ایران و چین: نقش هخامنشیان و سغدیان ... / ۱۳

به چین بوده است که یکی از مسیرهایی بود که از طریق آن کالاهای چینی بعدها خصوصاً توسط تجار سغدی که نژادی ایرانی داشتند، داد و ستد می‌شده است (Vaissière, 2005: 17; P'yankov, 1993). کتیبه داریوش در شوش تلویحاً از تجارت سغدیان با مناطقی بسیار دورتر از سغد حتی در اواسط قرن ششم پیش از میلاد سخن می‌گوید (Vaissière, 2005: 19; Genito and Gricina, 2010: 123-126). اگر چه اشاره‌ای مستقیم از تبادلات فرهنگی بین ایرانیان و یا سغدیان با چینیان در اوایل شاهنشاهی هخامنشی تاکنون به دست نیامده است. اما بر اساس منابع، تماس سغد با مناطقی از چین در اواخر شاهنشاهی هخامنشی همزمان با فتوحات اسکندر در آسیای مرکزی محرز بوده است (Vaissière, 2005: 23). یکی از این مناطق، منطقه شین جیانگ^۱ در شمال غربی چین است که همواره به عنوان مرکز ثقل تماس و برهمکنش فرهنگ چین باستان و با فرهنگ‌های غربی چین از جمله فرهنگ‌های اقوام بیابانگرد و تمدن‌های بزرگ از قبیل ایران باستان بوده است (Li Shuicheng, 1999: ii). خصوصاً این اهمیت زمانی پررنگ‌تر می‌شود که ببینیم بیشترین آثار به دست آمده مربوط به تبادلات فرهنگی چین با فرهنگ‌های واقع در غرب آن در این منطقه پیدا شده است (Ibid:ii). کشف تعداد زیادی از اجساد مومیایی اقوام هند و ایرانی در شین جیانگ که به سال‌های ۱۸۰۰ ق.م. تا ۳۰۰ م. تعلق دارند (Jäger, 1998: 2) گویای قدمت حضور اقوام هند و ایرانی در این منطقه است. در برخی از این اجساد مومیایی نوع کلاه‌ها از نوع کلاه‌های سکا‌های تیزخود که تصاویرشان بر روی سکوی کاخ آپادانای داریوش هخامنشی بر جای مانده و همینطور شبیه اشکال انسانی کشف شده در پازیریک است (Ibid:2) که خود نشان از حضور اقوام سکایی مطیع هخامنشیان در شرقی‌ترین نقاط آسیای مرکزی و حتی در شمال غربی چین دارد.

تماس فرهنگ‌های ایران و چین در آسیای مرکزی که با فتوحات و اقدامات کورش و بعد از او داریوش در آسیای مرکزی تسهیل شده بود، منجر به شناخت یونانیان از

چین توسط ایرانیان گشت.^۱ در یونان طی قرون چهارم و پنجم میلادی شایعاتی در مورد مردمی موسوم به سیرس^۲، مردمانی در اقصای شرق دور به گوش می‌رسید (Yule, 1915: 14).^۳ اگر چه هیچ نوع اطمینانی در باره محل زندگی این مردمان وجود نداشت، اما بسیاری از نویسندگان به این باور رسیدند که کشور سیرس که تولید کننده ابریشم بود، جایی در شرق واقع بود (Strabo, 1917, vol 2: 253). نام سیرس^۴ که احتمالاً از واژه چینی سی^۵ به معنی ابریشم برگرفته شده است، احتمالاً برای نخستین بار توسط پزشک و مورخ یونانی کتزیاس (قرون پنجم و چهارم پیش از میلاد) ذکر شد (Yule, 1915: 14). با توجه به اینکه کتزیاس مدتی در دربار پادشاهان هخامنشی حضور داشت، احتمالاً در آنجا با این نام مواجه شد (Ktesias, 1888: 10). از این رو است که می‌توان نتیجه گرفت که سیرس در آثار مورخان یونان و روم باستان نامی بوده است برای چینان که از ایرانیان گرفته بودند.^۶ آشنایی یونانیان با چین و ابریشم آن که ظاهراً به واسطه ایرانیان ایجاد شد، از طریق یافته‌های باستان شناسی نیز ثابت می‌شود. برای نمونه در قرن اخیر، کشف تکه‌های

۱. برای مثال، بارسین‌ها (Barcaeans)، که هرودوت از آنها نام می‌برد. آنها به عنوان مستعمره‌نشین یونانی در لیبی توسط سپاهیان هخامنشی از مصر کوچانده شدند. داربوش اول آنها را به بلخ کوچ داد (Herodotus, 1926 vol ii: 407). در زمان هرودوت بازماندگان‌شان هنوز در آنجا ظاهراً به خواست خود می‌زیستند. برای مثال دیگر می‌توان از برانشدایی (Branchidae) نام برده شده توسط استرابون یاد کرد (Strabo, 1917, vol 5: 285). بعد از خیانت به وطن‌شان به خواست خود به هنگام بازگشت خشایارشا به ایران آمدند و بعدها در سغد توسط پادشاه ساکن شدند.

2. Seres

۳. صحت گزارشات کتزیاس مورد مناقشه است. مورخان غربی مانند هنری یول (H. Yule)، جورج کودس (George Coedès) و مورخ چینی جانگ هونگنین (Zhang Xinglang) بر این نظر هستند. به خصوص یول بر این باور است که نام سیرس (Seres) برای نخستین بار توسط فوتیوس در اثر معروفش Bibliotheca of Photius آمده است. گرچه به نظر می‌رسد که یونانیان، پیش از فوتیوس و از زمان کتزیاس با این نام آشنا شده‌اند (بنگرید به: Yule, 1915: 14; Xinglang, 1977: 17; Coedès, 1910: 1-2).

4. Seres

5. Si

۶. برای مطالعه بیشتر در باره نام سیرس (Seres) و نقش ایرانیان زمان هخامنشی در شناساندن آن به یونانیان و رومیان بنگرید به: (Coedès, 1910: 1-54; 71-72). هنری یول نیز در تحلیل متون و داده‌های مرتبط با این موضوع به نتیجه یکسانی رسیده است: (Yule, 1915: 11-12).

تماس فرهنگ‌های ایران و چین: نقش هخامنشیان و سغدیان ... / ۱۵

ابریشم در یک مقبره سلطنتی در آلمان از قرن ششم پیش از میلاد (Biel, 1980: 429) و پیدا شدن دست بافته‌هایی منقش به تصاویر سیمرغ، آینه‌های برنزی سالم و دست نخورده از مقبره‌های پازیریک در رشته کوه‌های آلتایی از حدود سده‌های پنجم تا سوم پیش از میلاد که از زیر خاک بیرون آورده شده‌اند، نیز خود نشان از وجود تبادلات گسترده فرهنگی چینیان تا اقصی نقاط اروپا دارد (Rudenko 1957:7).

این حقیقت که کالاهای ساخته شده از مرکز چین توسط باستان‌شناسان در اروپای غربی کشف گردیده است، خود از وجود مسیرهای تجاری میان شرق و غرب خصوصاً مسیرهایی که از طریق شاهنشاهی هخامنشی می‌گذشت، حکایت دارد. جاده‌هایی که بعدها با اقدامات شاهنشاهان هخامنشی و امپراتوران هان در چین توسعه یافته و منجر به ایجاد شاهراه‌های اصلی تبادلات بین شرق و غرب که به جاده ابریشم معروف گشت، شدند. در حقیقت پیش از آنکه جاده‌های شاهی هخامنشی و جاده‌های امپراتوران سلسله هان در چین ایجاد شود، مسیرهایی برای تبادل کالا بین شرق و غرب وجود داشت. از جمله این مسیرها جاده‌هایی بودند که امپراتوران آشور ایجاد کرده بودند (Graf, 1995: 171-72) و همینطور جاده‌هایی که اقوام بیابانگرد به مانند سکاها و دیگر بیابانگردها که از دریای سیاه تا دریای آرال در حرکت بودند، در مناطق آسیای مرکزی ایجاد کرده بودند. برای نمونه، جاده بیابانی اورآسیا که اغلب تغییر مسیر می‌داد و در فاصله‌های کوتاه باز و بسته می‌شد؛ زیرا که بیابانگردان همواره مجبور بودند تا هر از چند وقت جابجا شوند و به همین خاطر جاده بیابانی اورآسیا هرگز تبدیل به مسیر اصلی تبادلات شرق و غرب نگردید (Ju-ping, 2007: 107).

ج) جاده‌های شاهی هخامنشیان و گسترش تبادلات فرهنگی شرق و غرب

قلمرو شاهنشاهی هخامنشی بسیار گسترده بود و از هند تا دریای اژه وسعت داشت. برای اداره کردن این قلمرو وسیع، داریوش اول راه‌های شاهی را ساخت که خود بر روی راه‌های قدیمی و در جهات مختلف برپا شده بودند. معروف‌ترین این راه‌ها راه شاهی غرب

شاهنشاهی هخامنشی بود که از شوش، یکی از پایتخت‌های هخامنشیان آغاز شده و با عبور از میان رودان در سارد به پایان می‌رسید. طول این مسیر ۲۰۰۰ کیلومتر بود که چاپارخانه‌ها به تعداد زیاد در امتداد آن ساخته شده بودند (Briant, 2012:186). دیگر مسیر مهم به سوی شرق، از مسیر راه قدیمی ماد- بین‌النهرین و جاده خراسان (Graf, 1995: 186) و پس از آن از مسیر جاده بلخ- هند امتداد می‌یافت (ktesias, (1888: 174-75; Wiesehofer, 1996: 6-77; Briant, 2012:186) بود که سنگ‌های لاجورد کوه‌های بلخ به میان رودان و هند و تخت‌جمشید آورده می‌شد (Holt, 1989: 28). سکه‌های به دست آمده از یونانیان در بلخ پیش از حمله اسکندر خود حاکی از سابقه طولانی مبادلات بین شرق نزدیک و یونان و تمدن‌های اطراف کوه‌های هندوکش از طریق جاده شاهی دارد (Holt, 2005: 141).^۱ در حقیقت جاده‌ای که آسیای مرکزی را به هند مرتبط می‌کرد و همین‌طور جاده خراسان، بعدها در اواخر عهد باستان قسمتی از جاده ابریشم را تشکیل دادند. (Graf, 1995: 186)

ایجاد جاده شاهی توسط هخامنشیان در کنار مسیرهای مهم آن زمان از جمله جاده خراسان منجر به گسترش قلمرو هخامنشیان در آسیای مرکزی و تسلط بر مراکزی مانند سغد و اقوام سکایی که از سالیان دراز با چینیان در تماس بوده و به تبادل کالا می‌پرداختند، گشت (Vaissière, 2005: 22). تسلط هخامنشیان بر این مراکز خود منجر به ایجاد زمینه شناخت بیشتر مردمان دو کشور ایران و چین شد (Briant, 2002: 929).^۲ اگر چه اطلاعاتی در مورد تماس بین شاهنشاهی هخامنشی و

۱. برای مثال، کشف گلدانی پر از سکه از نوع سکه‌های آتن باستان توسط یک کشاورز در ۱۹۶۶م. که حداقل ۱۵۰ عدد از سکه‌ها مانده است و تعداد اصلی سکه‌ها هرگز مشخص نگشت. این واحد پول یونانی می‌بایست قاعدتاً در بلخ پیش از حمله اسکندر مقدونی رایج بوده باشد. مورد دیگر کشف مقدار مشابه از سکه‌ها در ضلع شرقی کابل در ۱۹۳۳م. است که احتمالاً شامل هزاران سکه از دولت شهرهای یونانی می‌شد (Holt, 2005: 141).

۲. آثار مستند به جای مانده از دوره هخامنشیان مانند نقش‌ها و کتیبه‌های تخت‌جمشید نشان دهنده گسترش قلمرو حکومت ایران در آسیای مرکزی است و بیانگر آن است که بخش‌هایی از آسیای مرکزی در این عهد خراجگزار حکومت مرکزی ایران بوده است.

تماس فرهنگ‌های ایران و چین: نقش هخامنشیان و سغدیان ... / ۱۷

دستگاه سیاسی و اداری آن با حکومت همزمان با آنها در چین یعنی سلسله ژو شرقی (۷۷۰-۲۲۱ ق.م.) در دست نیست و با توجه به عدم تسلط امپراتوران چین بر مناطق غربی چین از جمله شین جیانگ چنین تماسی به نظر وجود نداشته است. اما تاخت و تاز اقوام سکایی تحت سلطه هخامنشیان که دارای فرهنگ ایرانی بودند از ۹۰۰ تا ۳۰۰ ق.م. گویای وجود تماس فرهنگی بین هخامنشیان با چینیان بوده است.

در اینجا می‌توان به نمونه‌هایی از وجود آثار تمدن هخامنشی در نواحی‌ای از آسیای مرکزی و حتی چین اشاره کرد. برای نمونه، قدیمی‌ترین اشیایی که از ایران در چین پیدا شده‌اند، اشیای کشف شده در قبور شاهزادگان چینی هستند که در مناطق شان دونگ^۱، گوانجو^۲ و یونان^۳ در چین و متعلق به اواخر قرن دوم پیش از میلاد قرار دارند (Laing, 1995: 11-16). این اشیاء از نظر سبک ساخت بسیار مشابه ظروف فلزی دردار هخامنشی‌اند که بعدها شیوه ساخت آن به صنعت ظروف فلزی سلوکیان و اشکانیان منتقل شد. هنرمندان چینی بر روی درپوش‌های این ظروف شکل‌هایی از حیوانات کوچک را اضافه کردند تا اصالت غیرچینی آن را پنهان کنند (Carter, 2005). از این رو، نمونه فوق را می‌توان از نخستین موارد تماس و برهمکنش هنرهای فلزکاری دو تمدن دانست. در موارد زیادی انتقال عناصر و سازمایه‌های فرهنگ هخامنشی توسط سکاها و دیگر اقوام بیابانگرد آسیای مرکزی به چین راه می‌یافته است. در واقع، در اواسط و اواخر هزار اول پیش از میلاد جنبه‌های هنری در آرایش لباس‌های این اقوام بیابانگرد را که اغلب به مانند هنر هخامنشی کاربرد اشکال حیوانات در آن بارز است، می‌توان در آثاری فلزی چین همراه با نقوش نقره‌ای و سنگ‌های رنگین دید (Rawson and Bunker, 1990: 291-307; So and Bunker, 1995: 53-87).

مورد دیگر از نقش اقوام سکایی در انتقال مؤلفه‌های تمدنی یا فرهنگ والای شرق نزدیک و هخامنشیان به چین را می‌توان در ارتباط با تأثیراتی که هنر ریخته‌گری شرق

1. Shandong
2. Guanzhou
3. Yunnan

نزدیک بر تکنیک موم گمشده یا ریخته‌گری دقیق^۱ چین گذاشته است، مشاهده کرد. نخستین نمونه از تکنیک موم گمشده در قرن ششم پیش از میلاد در چین دیده شده است که در آن تأثیر هنر شرق نزدیک که واسطه انتقال آن اقوام بیابانگرد بودند، دیده می‌شود (Li Xueqin, 1991: 1-22; So and Bunker, 1995: 59). برخی از محققان بر این باورند که اشیای برنزی به دست آمده از تکنیک موم گمشده متعلق به فرهنگ دیان^۲ یون نان که سبکی طبیعت‌گرایانه دارند و شامل اشکالی از گروه‌های حیوانی در حال نبرد هستند، از مهاجرت اقوام سکایی به جنوب غربی چین پیش از سده نخست پیش از میلاد تأثیر پذیرفتند (Zhang Zengqi, 1994: 666-699). تکنیک طلاکاری، فن جواهرسازی و ساخت لباس‌های اشرافی با ایجاد تغییراتی از طریق راه‌های تجاری شرق نزدیک که هخامنشیان آن را توسعه دادند، به ویژه در اواخر دوره هخامنشی و سده سوم پیش از میلاد توسط اقوام بیابانگرد به چین راه یافت (Bunker, 1993, pp. 27-50; White and Bunker, 1994, pp. 44-47). این برهمکنش با کشف ابریشم چین در کنار یک فرش هخامنشی در گور پازیریک نیز تقویت می‌شود، زیرا که برخی از محققان کشف ابریشم چین در کنار فرش پازیریک، خنجر آکیناس مادی و اشیاء باستانی دیگر به دست آمده در گور یخ‌زده یکی از فرمانروایان سکایی در دره پازیریک^۳ که متعلق به فرهنگ هخامنشی بوده است (Ghirshman, 1964: 79; Sulimirski, 1970: 360-67; Good, 1995: 963). Jettmar, (1967: 207-235; Rudenko, 1970: 140, 170-75).

نمونه دیگر، مجسمه شیربالدار (شکل ۶) به عنوان نخستین شکل‌های هنر مجسمه‌سازی مقبره‌های امپراتوران چین در دوره هان شرقی - سده‌های اول تا سوم میلادی - است که به

۱. تکنیک موم گمشده یا ریخته‌گری دقیق برای ساخت مجسمه‌های فلزی در دوران باستان استفاده می‌شده است. این تکنیک به روشی اطلاق می‌شود که در آن قالب با استفاده از پوشاندن مدل‌های از بین رونده توسط دوغاب سرامیکی ایجاد می‌شود. مدل (که معمولاً از موم یا پلاستیک است) توسط سوزاندن یا ذوب کردن از محفظه قالب خارج می‌شود.

2. Dian

۳. دره‌ای کوچک در جنوب سیبری مرکزی و در ۷۹ کیلومتری مرز مغولستان

عنوان محافظ مقبره‌ها و کاخ‌ها در مقابل نیروهای شیطانی کاربرد داشت. این هنر که شکل ابتدایی آن در دوره دولت‌های متخاصم در چین (۶۵۰-۲۵۰ ق. م.) وجود داشت، از سرزمین‌های غربی و ریشه در هنر عصر هخامنشی داشت. به ویژه که شیر حیوان بومی چین نبود (Carter, 2005). همین‌طور می‌توان به انتقال ساخت مجسمه‌هایی با اشکال گریفین^۱ از ایران دوره هخامنشی به چین اشاره کرد. این ارتباط احتمالی با کشف نمونه‌ای از مجسمه گریفین در ناحیه ختن واقع در استان شین جیانگ چین که دارای بن مایه‌هایی شبیه مجسمه‌های گریفین در پرسپولیس است، تقویت می‌شود (Young Pil Kwon, 2013: 13).

با فتوحات کورش در آسیای مرکزی و ایجاد سیستم اداری متمرکز توسط داریوش که سرتاسر امپراتوری را در بر گرفته بود، فرامین شاهان هخامنشی نیز برای اطلاع مردم و اداره بهتر امپراتوری هم‌زمان به سرتاسر امپراتوری از جمله آسیای مرکزی انتقال یافته بود. هخامنشیان خط را با خود به سغد و آسیای مرکزی بردند و زبان نوشتاری آرامی قرن‌ها در سغد رایج بود (Vaissière, 2005: 17). بر اساس سطر ۷۰ کتیبه بیستون در می‌یابیم که داریوش رونوشت‌هایی را از کتیبه بیستون و فرامین شاهی تهیه نموده و به ایالات مختلف شاهنشاهی فرستاده بود (Kent, 1950:132) حتی بنا بر فرضیه مورخانی مانند دیاکونوف او احتمالاً این فرامین را به زبان‌های دیگری چون زبان یونانی ترجمه کرده بود (Schmitt, 2013; Kent, 1950:132).

با توجه به تبادلات فرهنگی گسترده سغدیان در سرتاسر آسیای مرکزی در اواخر دوره هخامنشی، می‌توان این فرضیه را مطرح ساخت که انتقال فرامین شاهنشاهان هخامنشی به آسیای مرکزی از جمله سغد منجر به ایجاد زمینه شناخت بیشتر فرهنگ و تمدن ایران هخامنشی برای چینیان گشت و یا حداقل طبقه حاکم شمال غربی چین با فرامین حکومتی شاهنشاهان هخامنشی آشنایی داشتند. این فرضیه با کشف دو قطعه رونوشت استوانه منشور کورش حک شده بر روی استخوان اسب در چین که در سال ۱۹۸۳ م. یک پزشک

طب سنتی چینی به نام شوئه شن وی^۱ به کاخ موزه پکن اهداء کرده است، قوت می‌گیرد (Wu, 1986:13). اگر چه اصالت نوشته‌های بر روی این دو استخوان تاکنون کاملاً اثبات نشده است و از جمله اروینگ فینکل که تا سال ۲۰۱۳ م. معتقد بود که استخوان‌ها اصیل هستند و اکنون نظر خود را تغییر داده و بر جعلی بودن این دو نوشته تأکید کرده است (Finkel, 2013: 33-34).^۲ اما با این وجود، دو استخوان فوق همچنان باید مورد مطالعه بیشتر قرار گیرند، زیرا که وجود چنین رونوشت‌هایی در شمال غربی چین با توجه به نزدیکی آن با مراکز قدرت هخامنشیان در آسیای مرکزی از جمله سغد خصوصاً با توجه به کشف آثاری از هخامنشیان در این مناطق نامحتمل نیست.^۳ به هر روی، بر وجود چنین رونوشت‌هایی از فرامین داریوش در سرتاسر امپراتوری هخامنشی اطمینان وجود دارد، اما کشف دو قطعه رونوشت استوانه منشور کورش در چین در کنار تهیه رونوشت‌هایی از کتیبه بیستون به دستور داریوش که به نقاط مختلف شاهنشاهی فرستاده شد، می‌تواند این فرضیه را که این عمل پیش از این نیز سابقه داشته و توسط کورش نیز اقدامی مشابه صورت گرفته باشد، تقویت کند.^۴

فعالیت سغدیان در آسیای مرکزی که در زمان هخامنشی شدت بیشتری گرفته بود، زمینه را برای تماس آنها با چینیان فراهم کرد. با توجه به اینکه کلمه "خومدان"^۵ نام سغدی "شیان یانگ"^۶ پایتخت سلسله چین^۷ (۲۲۱-۲۰۶ ق.م.) در نامه‌های سغدیان

1. Xue Shenwei

۲. دلیل اصلی ایشان وجود یک نسخه برداری متعلق به اوایل قرن ۲۰ است که احتمالاً نوشته روی استخوان‌ها از روی آن نسخه برداری شده است (Finkel, 2013: 33-34).

۳. زیرا که برخی از محققان فرش پازیریک، خنجر آکیناس مادی و اشیاء باستانی دیگر به دست آمده در گور یخ‌زده یکی از فرمانروایان سکایی در دره پازیریک که متعلق به فرهنگ هخامنشی بوده است را هدیه‌ای از سوی یکی از ساتراپی‌های هخامنشیان در آسیای مرکزی یعنی سغد یا باکتريا (بلخ) می‌دانند که برای یکی از شاهان بیابانگرد فرستاده است (Vaissière, 2005: 17).

۴. علی‌رغم اینکه می‌توان تهیه رونوشت‌هایی از استوانه کورش را به بعد از مرگ وی در زمان دیگر امپراتوران هخامنشی با توجه به عملکرد (Function) و جایگاه مهم آن نیز نسبت داد.

5. Khumdàn

6. Xianyang 咸陽 / 咸陽

7. Qin 秦

باستان است و سغدیان از خومدان برای نامیدن پایتخت سلسله هان یعنی چانگ‌آن^۱ نیز استفاده می‌کردند، عمده دانشمندان بر این نظر هستند در پی متروکه شدن شهر شیان یانگ پیش از سال ۲۰۰ ق.م.، سغدیان از اواسط قرن سوم در تماس مستقیم با چین بوده‌اند و پایتخت سلسله چین را کاملاً می‌شناختند (Vaissière, 2005: 22). از این رو سده سوم پیش از میلاد را تا آنجایی که منابع تأیید می‌کنند، می‌توان آغاز تماس مستقیم فرهنگ‌های ایران و چین دانست. در حقیقت حکومت اسکندر و جانشینانش و گسترش فرهنگ هلنی در آسیای صغیر در کنار فعالیت تجاری گسترده سغدیان منجر به تماس مستقیم فرهنگ‌های ایران و چین می‌گردد. برای نمونه همزمان با روی کار آمدن پارتیان به استناد گفته استرابون، حکمران یونانی باکتريا اوتیدموس^۲ و پسرش دمتریوس^۳ در قرن دوم پیش از میلاد امپراتوری خود را حتی تا سیریس - شمال غربی چین - گسترش دادند. در آن زمان ناحیه سیریس توسط مردمان غربی به عنوان ناحیه‌ای که ابریشم در آنجا تولید می‌شد، شناخته شده بود و به تمام سرزمین امپراتوری هان اطلاق نمی‌شد. معهداً بعضی از دانشمندان مانند ای.ک. ناراین^۴ و همینطور ای. کونیگهام^۵ معتقدند که ناحیه سیریس همان سوله^۶ یعنی کاشغر^۷ در شین جیانگ چین است (Ju-ping, 2007: 103). تسلط حکومت باکتريا بر سیریس (شمال غربی چین) که بر تماس فرهنگ ایرانی - هلنی با چین دلالت دارد، با ادعای هنینگ مبنی بر وجود عنصر نیکل چینی در سکه‌های حکومت یونانی باکتريا در قرن دوم پیش از میلاد که در سغد و بلخ ضرب شده‌اند (Henning, 1948: 608)، بار دیگر تقویت می‌شود.

-
1. Chang'an 長安 / 长安
 2. Euthydemus
 3. Demetrius
 4. A.K.Narain
 5. A. Cunningham
 6. Sule
 7. Kashgar, 疏勒, کاشغر

نتیجه

اطلاعات مربوط به مناسبات فرهنگی ایران و چین در ایران پیش از هخامنشیان و در دوره هخامنشی در منابع مرتبط با این دوره، بسیار اندک و محدود به اطلاعات موجود در منابع تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی به دست آمده در چین و ایران است. بررسی‌های زبان‌شناسی و مطالعات فرهنگی بر روی فرهنگ‌های هند و ایرانیان و شانگ و چو چین و همین‌طور وجود بن‌مایه‌های مشترک فرهنگی در مواردی مانند سفال‌های مارلیک و لرستان در اوایل هزار نخست پیش از میلاد با سفال‌های فرهنگ‌های چینی عصر شانگ و چو و دیگر اشیاء مانند تشابهات در نقوش بر روی قطعات ارباب در بین این فرهنگ‌ها از تماس با واسطه فرهنگ‌های چین و ایران از اوایل هزاره اول پیش از میلاد حکایت دارد.

با روی کار آمدن هخامنشیان و فتوحات کورش و داریوش در آسیای مرکزی به تدریج تبادلات فرهنگی و اقتصادی بین تمدن‌های آسیای مرکزی، ایران، هند، شرق نزدیک و اروپا گسترش یافت. با احداث جاده شاهی و اتصال آن به دیگر جاده‌های معروف آن زمان از جمله جاده خراسان پیش از اکتشافات جانگ چیان در مناطق غربی آسیا در اواخر قرن دوم پیش از میلاد سه شاهراه تجاری مهم آسیا، افریقا و اروپا شکل گرفت. فرهنگ ایرانی پیش از این بر مناطقی از آسیای مرکزی از جمله سغد و فرغانه تأثیر نهاده و حتی تا حد زیادی هم‌گرا با فرهنگ آن مناطق شده بود. این فرهنگ مختلط در اواخر دوره هخامنشی توسط سغدیان، یونانیان و سپس پارتیان با مرکزیت رودخانه جیحون، از باختر به هند در جنوب و به چین در شرق گسترش یافته بود.

بررسی شواهد فوق با توجه به ترتیب زمانی آنها بر این نکته دلالت دارد که فرهنگ‌های فلات ایران تا اواخر دوره هخامنشی به واسطه اقوام بیابانگرد آسیای مرکزی از جمله سکاها با فرهنگ چین در تماس غیرمستقیم بوده است. بر طبق نامه‌های سغدیان باستان، این تماس از بعد از سقوط هخامنشیان از طریق تاجران سغدی در سده سوم پیش از میلاد به شکل مستقیم برقرار شده است. به تدریج با گسترش فرهنگ هلنی و نیز شکل‌گیری حکومت یونانی باکتریا در سده دوم پیش از میلاد و سلطه آن بر

تماس فرهنگ‌های ایران و چین: نقش هخامنشیان و سغدیان ... / ۲۳

سیریس (شمال غربی چین) فرهنگ ایران و چین در تماس مستقیم با یکدیگر بوده‌اند. تداوم این تماس‌ها منجر به جلب توجه امپراتوران هان نسبت به مرزهای غربی چین گشت. در نتیجه این امپراتوران برای نخستین بار در تاریخ روابط چین با تمدن‌های غربی آن اقدام به فرستادن سفرایی برای شناخت آنها و ایجاد زمینه برای همکاری‌های دو جانبه کردند. در واقع فتوحات شاهنشاهان هخامنشی در آسیای مرکزی و اقدامات اسکندر و جانشینانش در کنار فعالیت‌های تاجران سغدی منجر به ایجاد زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری جاده ابریشم گشت.

منابع و مأخذ

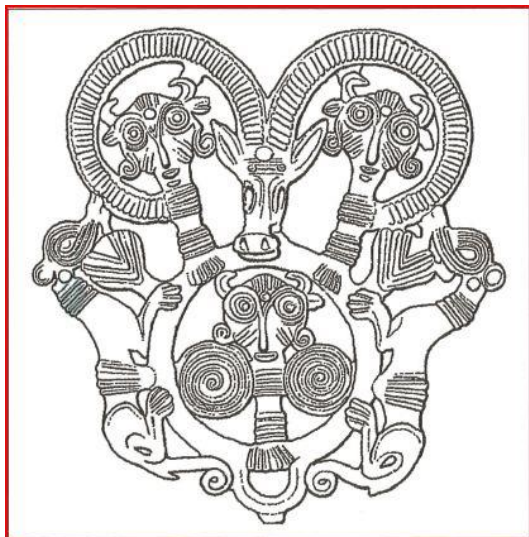
- Anthony, David W. 1998. "The Opening of the Eurasian Steppe at 2000 BCE". *The Bronze Age and Early Iron Age Peoples of Eastern Central Asia*. Washington D.C.: Institute for the Study of Man, Vol. I, pp. 94-113.
- Biel, Jorg. 1980. "Treasure from a Celtic Tomb". *National Geographic*, Vol 157, No 3, pp.429-438.
- Briant, pierre. 2002. *from Cyrus to Alexander a history of the Persian empire*. Translated by Peter T. Daniels, Winona Lake, Ind.: Eisenbrauns.
- Briant, Pierre. 2012. "From the Indus to the Mediterranean: The Administrative Organization and Logistics of the Great Roads of the Achaemenid Empire". In: Alcock, Susan E., et al. (eds.), *Highways, Byways, and Road Systems in the Pre-Modern World*, *Ancient World: Comparative Histories V*, West Sussex: Wiley-Blackwell, John Wiley & Sons, Ltd, pp.185-201.
- Bunker, E. C. 1993. "Gold in the Ancient Chinese World: a Cultural Puzzle", *Artibus Asiae*, 53/1-2, pp. 27-50.
- Carter, M. L. 2005. "Chinese-Iranian Relations xiv. The Influence of Eastern Iranian Art", In: *encyclopedia Iranica*, Online Edition, available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/chinese-iranian-xiv>
- Chang, Tsung-tung. 1988. "Indo-European Vocabulary in Old Chinese, a New Thesis on the Emergence of Chinese Language and Civilization in the Late Neolithic Age". *Sino-Platonic Papers*, No 7.
- Chen, Sanping. 2002. "Son of Heaven and Son of God: Interactions among Ancient Asiatic Cultures regarding Sacral Kingship and Theophoric Names". *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland*, Volume 12, Issue 03, pp 289 325.
- Coedès, George. 1910. *Textes d'auteurs grecs et latins relatifs a l'Extrême-Orient*. Paris, E. Leroux.
- Dandamaev, M.A. 1989. *A political history of the Achaemenid empire*. translated into English by W.J. Vogelsang, Leiden, E.J. Brill.
- Finkel, Irving. 2013. *The Cyrus Cylinder: The King of Persia's Proclamation from Ancient Babylon*. London, I. B. Tauris.
- Genito, Bruno and Gricina, A. 2010. "The Achaemenid Period in the Samarkand Area (Sogdiana)". *Trial Trenches At Koj Tepa, 2009 Campaign*. *Newsletter Archeologia (CISA)*, 2010 (1). pp. 122-141.

- Ghirshman, R. 1964. *The Arts of Ancient Iran from its Origins to the Time of Alexander the Great*, tr. S. Gilbert, and J. Emmons, New York.
- Good, Irene. 1995. "On the question of silk in pre-Han Eurasia". *Antiquity*, Vol. 69, Number 266, December, pp. 959–968.
- Graf, D. F. 1995. "The Persian Royal Road System". In: Sancisi-Weerdenburg, H. and Kurht, A. and Cool Root, M. (eds.), *Achaemenid History VIII Continuity and Change: Proceedings of the Last Achaemenid History Workshop*, April 6- 8, 1990, Ann Arbor, Michigan, pp.167-189.
- Harper, P. O. 1990. "An Iranian Vessel from the Tomb of Feng Hetu", *Bulletin of the Asia Institute*, vol. 4, pp. 51-59.
- Henning, W. B. 1948. "The Date of the Sogdian Ancient Letters", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, XII3/4, pp. 601–615.
- Herodotus. 1926. *Histories*. with an English Translation by A. D. Godley. 4 vols. Cambridge, Mass.: Harvard University Press, London, William Heinemann.
- Holt, F. L. 1989. *Alexander the Great and Bactria*. Leiden, E. J. Brill.
- Holt, F. L. 2005. *Into the Land of Bones: Alexander the Great in Afghanistan*. Berkeley: University of California Press.
- Jäger, Ulf. 1998. "The New Old Mummies from Eastern Central Asia : Ancestors of the Tocharian Knights Depicted on the Buddhist Wallpaintings of Kucha and Turfan". In: *Sino-Platonic Papers*, Number 84, Dept. of Asian and Middle Eastern Studies, Philadelphia, University of Pennsylvania.
- Jettmar, K. 1967. *Art of the Steppes*, tr. A. E. Keep, New York.
- Ju-ping, Yang. 2007. "The Conquests of Alexander the Great and the Opening of the Silk Road". in: *Proceedings of Japan-Korea-China the Symposium 2007*, Meiji University, Japan, pp. 97-112.
- Kent, Roland. G. 1950. *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*, American Oriental Society, New Haven / Connecticut.
- Ktesias. 1888. *The Fragments of the Persika*, edited with introd and notes by John Gilmore, Macmillan in London, New York.
- Laing, E. J. 1995. "Recent Finds of Western-Related Glassware, Textiles, and Metalwork in Central Asia and China", *Bulletin of the Asia Institute*, vol. 9, pp.1-18.
- Li Shuicheng. 1999. "A Discussion of Sino-Western Cultural Contact and Exchange in the Second Millennium BC Based on Recent Archeological

- Discoveries”. In: Sino-Platonic Papers, Number 97, Dept. of Asian and Middle Eastern Studies, Philadelphia, University of Pennsylvania.
- Li Xueqin. 1991. “Chu Bronzes and Chu Culture,” in: *New Perspectives in Chu Culture during the Eastern Zhou Period*, ed. T. Lawton, Princeton, pp. 1-22.
 - Mair, Victor H. 2000. “Heavenly Questions”. *The Shorter Columbia Anthology of Traditional Chinese Literature*, pp. 192–208, ed. Victor H. Mair. New York: Columbia University Press.
 - Mair, Victor H. 1990. “Old Sinitic Myag, Old Persian Maguš and English Magician”, *Early China*, vol. 15, pp. 27–47.
 - Mair, Victor H. 2003. “The Horse in Late Prehistoric China: Wrestling Culture and Control from the 'Barbarians'”. *Prehistoric Steppe Adaptation and the Horse*, eds. Marsha Levine, Colin Renfrew and Katie Boyle, Cambridge, p.163-87.
 - Pashazanous, Hamidreza. 2012. "China in ferdowsi's Thoughts". in: *Proceedings of the Fourth International Conference on Ancient World History*, June 16-18, 2012, Nankai University, Tianjin (China), pp. 94-105.
 - Pulleyblank, E. G. 1966. “Chinese and Indo-Europeans”. *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, No. 1/2, April, , pp. 9-39.
 - Pulleyblank, Edwin G. 1992. “Chinese-Iranian Relations, in pre-Islamic times”. In: Ehsan Yarshater (ed.), *Encyclopaedia Iranica*, vol. 5, Costa Mesa, Ca.: Mazda Publishers, 1992, pp. 424-31.
 - P'yankov, I. V. 1993. “Cyropolis”. *Encyclopaedia Iranica*, Online Edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/cyropolis-latin-form-of-gr>
 - Rawson, Jessica. 2010. “Carnelian Beads, Animal Figures and Exotic Vessels: Traces of Contact between the Chinese States and Inner Asia, c. 1000-650BC.”. *Archäologie in China*, vol. 1, Bridging Eurasia, pp. 1-42.
 - Rawson, Jessica and Bunker, E. C. 1990. *Ancient Chinese and Ordos Bronzes*, exhibition catalogue, Hong Kong Museum of Art, Hong Kong.
 - Rudenko, S. I. 1970. *Frozen Tombs of Siberia: The Pazyryk Burials of Iron Age Horsemen*, tr. M. W. Thompson, Berkeley and Los Angeles.
 - Rudenko (Russian: Руденко), С.И. 1957. “On the Ancient Relations between China and the Tribes in the Altai”. *Acta Archaeologica Sinica (Journal of Archeology)* No. 2, PP. 7-48.
 - Schmitt, R. 2013. “Bisotun iii. Darius's Inscriptions”. In: *Encyclopædia Iranica*, Online Edition, available at :

- <http://www.iranicaonline.org/articles/bisotun-iii>
- Shian, Chang. 1987. The Forbidden City received bone fossil engraved (cuneiform) [J] (故宫藏马骨化石上的楔形文字铭刻). In: National Palace Museum, Academy of Sciences, 02, Online Edition, available at:
<http://www.dpm.org.cn/shtml/400/@/64919.html?query=%E5%B8%95%E6%8F%90%E4%BA%9A%20%E5%B8%95%20%E6%8F%90%20%E4%BA%9A>
 - Snow, Justine T. 2002. The Spider's Web, Goddess of Light and Loom: Examining the Evidence for the Indo-European Origin of Two Ancient Chinese Deities. In: Sino-Platonic Papers, Number 118, Dept. of Asian and Middle Eastern Studies, Philadelphia, University of Pennsylvania.
 - So, J. F. and Bunker, E. C. 1995. Traders and Raiders on China's Northern Frontier, exhibition catalogue, Arthur M. Sackler Gallery, Washington, D.C., Seattle.
 - Shaughnessy, Edward L. 1989. "Western Cultural Innovations in China, 1200 B.C.". Sino-Platonic Papers, no. 11.
 - Strabo. 1917. The Geography of Strabo. With an English Translation by Horace Leonard Jones (Based in Part Upon the Unfinished Version of John Robert Sitlington Sterrett), 8 vols, Heinemann Publication, London.
 - Sulimirski, Tadeusz. 1970. The Sarmatians. London, Thames & Hudson.
 - Vaissière, Étienne de la. 2005. Sogdian Traders: A History (Handbook of Oriental Studies). translated by James Ward, Section 8 Uralic & Central Asian Studies, 10. Leiden.
 - Watson, William. 1983. "Iran and China". ed. E. Yarshater, The Cambridge History of Iran, Vol. 3(1), Cambridge, Cambridge University Press.
 - Watson, William. 1972. "The Chinese Contribution to Eastern Nomad Culture in the Pre-Han and Early Han Periods". World Archaeology, Vol. 4, No. 2, Nomads (Oct.), pp. 139-149.
 - White, J. M and Bunker, E. C. 1994. Adornment for Eternity: Status and Rank in Chinese Ornament, Exhibition Catalogue, Denver Art Museum, Denver.
 - Wiesehofer, J. 1996. Ancient Persia. From 550 BC to 650 AD. London, I. B. Tauris Publishers.
 - Witzel, Michael. 2003. "Linguistic Evidence for Cultural Exchange in Prehistoric Western Central Asia". Sino-Platonic Papers, 129, December.
 - Wu, Yuhong, 1986. "A Horse-bone Inscription Copied from the Cyrus Cylinder (line 18-21)". Journal of Ancient Civilizations, vol. 1, pp. 13-20.

- Xiang, Wan. 2011. "Early Development of Bronze Metallurgy in Eastern Eurasia". In: Sino-Platonic Papers, Number 1213, Dept. of Asian and Middle Eastern Studies, Philadelphia, University of Pennsylvania.
- Xinglang, Zhang. 1977. The Collection of the Historical Materials of Communications between China and the West. Vol. I, Beijing, Zhonghua Book Co.
- Young Pil Kwon, 2013. "Cultural exchange and influence between Ancient Korea and Persia from an Art History Perspective", International Seminar on Korea-Iran Cultural Relations Based on Kushnameh, Embassy of the Republic of Korea to Iran, Tehran, Oct.3. pp. 9-29.
- Yu Taishan. 2010. "The Communication Lines between East and West as Seen in the Mu Tianzi Zhuan". In: Sino-Platonic Papers, Number 197, Dept. of Asian and Middle Eastern Studies, Philadelphia, University of Pennsylvania.
- Yule, Henry. 1915. Cathay and the Way Thither, being a Collection of Medieval Notices of China. New edition, Vol. I, revised by Henri Cordier, London, Hakluyt Society.
- Zhang He. 2011. "Shuma the Chinese Analog of Soma/Haoma? A Study of Early Contacts between Indo-Iranians and Chinese". Sino-Platonic Papers, 216, October.
- Zhang Zengqi. 1994. "Again on the Influence and Diffusion of the Scythian Culture in the Yunnan Bronze Age," in: Archaeology of the Steppe: Methods and Strategies, ed. B. Genito, Naples, pp. 666-697.
- Zhou Jixu. 2005. "Old Chinese "tees" and Proto-Indo-European "deus": Similarity in Religious Ideas and a Common Source in Linguistics". Sino-Platonic Papers, 167, December.



حلقه افسار اسپ از جنس برنز به طول ۱۳٫۲ سانتیمتر متعلق به فرهنگ لرستان
سال‌های ۱۰۰۰-۷۰۰ ق.م.
از مجموعه هیرامانک نیویورک

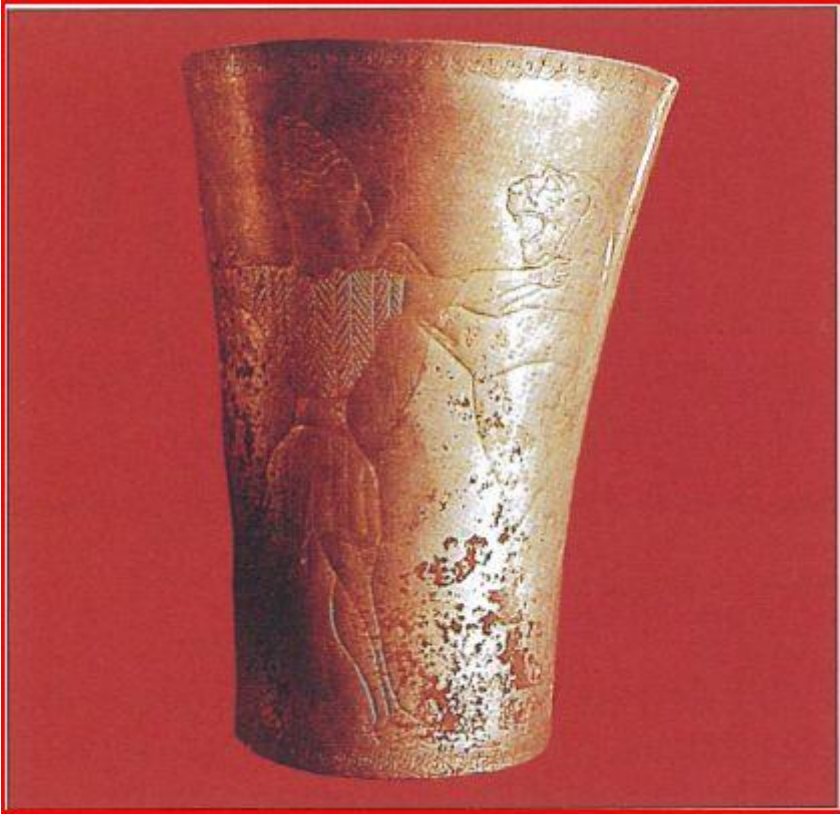


قطعه‌ای از ارابه به طول ۹ سانتیمتر کشف شده در مقبره ام ۲ در ژانگیاپو ،
چانگ آن، استان شانشی
متعلق به اواخر دوره ژو غربی (سده‌های هشتم و نهم پیش از میلاد)

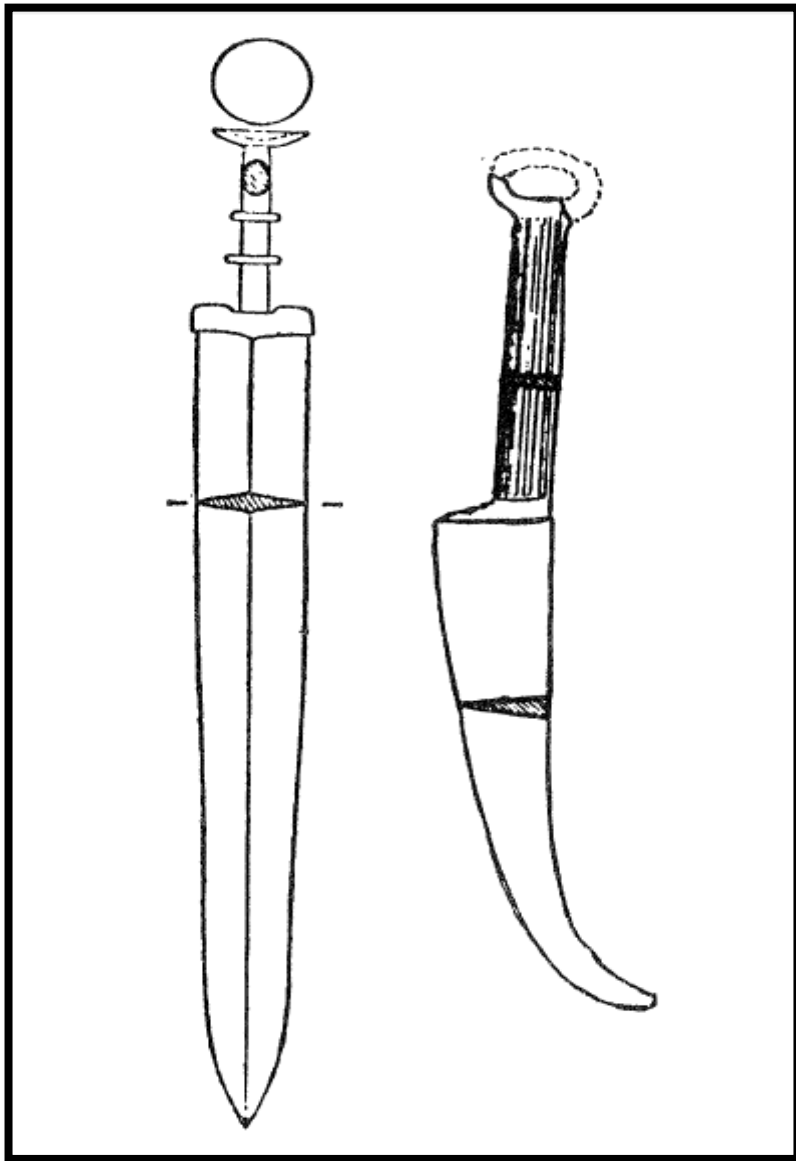


قطعه‌ای از ازابه کشف شده به طول ۵۲ سانتیمتر کشف شده در یانگجیاسون،
می‌شیان، استان شانشی
متعلق به اواخر دوره ژو غربی (سده‌های هشتم و نهم پیش از میلاد)

تماس فرهنگ‌های ایران و چین: نقش هخامنشیان و سغدیان ... / ۳۱



کاسه به دست آمده در مارلیک، استان گیلان - ایران متعلق به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد



کشف خنجرهای مفرغی از نوع آکیناک (شمشیر کوتاه) در نواحی ای از شمال چین
متعلق به سده‌های دهم و سوم پیش از میلاد



第一块马骨化石

نخستین قطعه استخوان اسب حاوی متن منشور کورش (Shian, 1987)



第二块马骨化石

دومین قطعه استخوان اسب حاوی متن منشور کورش (Shian, 1987)



مجسمه شیربالدار به عنوان نخستین شکل‌های هنر مجسمه‌سازی مقبره‌های امپراتوران چین در دوره هان شرقی که به عنوان محافظ مقبره‌ها و کاخ‌ها در مقابل نیروهای شیطانی کاربرد داشت.